

.....
 مآخذ

۱ - مآخذ خارجی معاصر یا مآخذی که در آنها از معاصرین شواهدی ذکر شده است .

یسوع استی لیتس - تاریخ سریانی یسوع استیلیتس^۱ در حدود سال ۵۰۷ میلادی نگارش یافته است و از وقایع سنوات ۴۹۴ تا ۵۰۶ سخن میراند . چند فصل ازین تاریخ که بمنزله مقدمه آنست خلاصه وقایع يك قرن قبل را بیان میکند . یسوع چنانکه خود گفته است «وقایع را بقسمی نقل میکند که هموطنانش همگی صحت آنرا شهادت میتوانند داد» و چون در باره ایرانیان خارج مذهب اطلاعات کافی داشته است آنچه را که شنیده با نهایت سادگی بیان کرده است .

یسوع در مقدمه تاریخ خویش (فصل ۹ .) از سلطنت فیروز و دو شکستی که در جنگ با هیاطله بر این پادشاه وارد شد سخن میراند و می نویسد که در شکست دوم فیروز اسیر شد و برای نجات خویش ناگزیر فرزند خود قباد را بگروگان بدشمن سپرد . سپس شرحی در باب مرگ فیروز و شکست یافتن سپاهیان وی از هیاطله در جنگی دیگر و سلطنت برادرش ولاش (بلاش) که مردی ملایم طبع و صلح-جوی بود ، بیان میکند . پس از آن میگوید که ولاش چون برای پرداخت حقوق سپاهیان تقدینه ای در خزانه نداشت و هیئت مؤبدان زرتشتی را نیز بواسطه آنکه « میخواست قوانین مذهبی ایشانرا منسوخ کنند و در بلاد مملکت گرمابها بنا نهد » بر خود خشمگین ساخته بود ، سرانجام از سلطنت خلع شد و او را کور کرده قباد پسر فیروز را بسلطنت برداشتند . شهریار جدید از آناستاز^۲ امپراطور روم مبالغی برسم کمک مالی خواست و او را تهدید کرد که هر گاه آن مبلغ

۱۵۴

۱ - The Chronicle of Joshua eht Stylite ,With a translation by W. Wright. Cambridge 1882.

۲ - مقدمه نویسنده ، فصل ۴ . Anastase - ۳ .

را نفرستد بر سرش لشکر خواهد کشید. ولی امپراطور چون «پیغام درشت و پرا شنید و از رفتار ناپسندیده او آگاه شد و دانست که او ارتداد پدید منجوسی زردشتیان را، که امر باشتراک زنان می نمود و مطابق آن هر کسی میتواند با هر زنی که بخواهد نزدیک شود، از نو قائم ساخته، و با ارامنه که در اطاعت او بودند، بعلت آنکه پرستش آتش را تن نداده اند ستمکاری بسیار روا داشته» درخواست او را رد کرد و پیغام فرستاد که تا شهر نصیبین بروم شرقی تسلیم نشود قبول آن ممکن نیست (فصل ۲۰). ارامنه نیز سر بشورش بر داشته سپاهیانی را که قباد بدفع ایشان فرستاده بود درهم شکستند (فصل ۲۱). کادیشی ها و تاموری ها نیز طغیان کردند، اعراب هم که در اطاعت شهریار ایران بودند، چون احوال دولت قباد را آشفته دیدند کوس مخالفت زدند «و تا حد توانائی در خاک ایران از قتل و غارت دریغ نکردند» (فصل ۲۲). «بزرگان ایران نیز نهائی بر ضد قباد پیمان بستند و بر آن شدند که او را کشته ممالک را از خوی زشت و قوانین ناپسند وی برهاتند. قباد چون ازین امر آگاه شد ممالک را ترک گفته بسرزمین هیاطله گریخت و پادشاه ایشان، که ایام گروگانی را نیز نزد وی بسر برده بود، پناهنده شد (فصل ۲۳). پس برادرش گاماسپ (جاماسب) بجای او بر تخت سلطنت ایران نشست. قباد نیز در سرزمین هیاطله باخواهر زاده خویش مزاجت کرد. خواهرش در جنگی که موجب هلاک و بروز شد در دست هیاطله اسیر افتاده بود و چون دختر شاه بود همخوابه پادشاه ایشان گشت و ازو دختری بوجود آورد. چون قباد بشاه هیاطله پناه برد خواهرش دختر خویش بدو داد. قباد پس از آنکه داماد شاه شد گستاخ گشت و همه روز پیش او بعجز و لابه نشست تا لشکری

همراه وی کند و او را در تنبیه بزرگان ایران و باز گرفتن سلطنت از دست رفته یاری دهد، پدر زئیس نیز بدین خواهش او را لشکری فراوان داد و قباد رو بایران آورد. برادرش از خبر وصول او بگریخت و قباد بمقصود خویش رسید. بزرگان ایران را بکشت «، تاموریها و کادیشی هسا هم از بیم سپاه هیاطله گردن بساطاعت وی نهادند. اعراب نیز با او بر ضد یونانیان متحد شدند و ارامنه چون اطاعت نکردند از پای در آمدند، ولی قباد با آنکه غالب بود از پی اعدام ایشان بر نخاست و بر خلاف وعده کرد که اگر در جنگ با یونانیان او را یاری کند از پرستش آتش معافشان خواهد داشت. ارامنه هم کرها از ترس پذیرفتند» [فصل ۲۴]

یسوع استی لیتس در فصول ۴۸ تا ۹۸ از جنگ ایران و روم شرقی سخن میراند. سبب این جنگ قباد بود که در سال ۵۰۶ باراضی یونانی تاخت و شهر تئودوزیوپولیس^۱ (ارزروم) را تسخیر کرده بیاد غارت داد و آتش زد و مردم آتشهر را با سیری برد. پس از آن در سال ۵۰۹ نیز شهر آمد^۲ (آمدیا) را فتح کرد و از غارت آن نیز مضایقه نمود. درین فتح متجاوز از هشتاد هزار مرد نابود شدند و بسیاری دیگر رانیز یاد خارج شهر سنک باران کردند. یابدجله انداختند یا باشکال مختلفه دیگر که شرح نمیتوان داد بهلاکت رساندند. (فصل ۵۳)

در آمد قباد گرمابهای یونانی را بدید و خود در آن گرمابها استحمام کرد و آن گرمابها چنان او را خوش آمد که چون بایران باز گشت فرمان داد در تمام شهرهای مملکت گرمابها بنا کردند. جنگ قباد با روم شرقی، که اعراب حیره نیز بسرداری ملک خود نعمان در آن مداخله تام داشتند، در سال ۵۰۶ پایان رسید. نعمان در حدود ۵۰۲ یا ۵۰۳ در جنگ مجروح شد و بمرد. بموجب معاهده ای

که بین سلرا سردار سپاه رومی و بویه^۱ اسپهبد ایران منعقد شد، طرفین برای مدت محدودی صلح کردند و ایرانیان آمد را تخلیه نمودند. - روایت یسوع استی لیتس درینجاختم میشود^۲ در میان مآخذ سریانی بعد از او کتاب کرونیکن سیریا کوم^۳ ابن العبری (متوفی در سال ۱۲۸۶ میلادی یا ۶۸۵ هجری) در باب فتح آمد حاوی اطلاعات مفیدیست، لکن در سایر مطالب کتاب مزبور اشتباهات فراوان دیده میشود و بدین سبب قابل اعتماد و ملاحظه نیست.

پروکوپئوس^۴ - پروکوپئوس^۲ نویسنده مشهور روم شرقی و مورخ ژوستینی^۵ در محل سزاره (قیصریه)^۶ واقع در فلسطین در اواخر قرن چهارم میلادی تولد یافته بود. مهارت او در زبان سریانی که در سراسر آسیای غربی رواج داشت تردید پذیر نیست. پروکوپئوس چون در سال ۵۲۷ میلادی بعنوان مشاور قانون و منشی مخصوص همراه بلیزارئوس^۷ بوده در جنگهایی که سردار مزبور در اواخر سلطنت قباد کرده است حضور داشته، بنابراین کتاب او در باب اعمال لشکری و جنگی آن زمان از مآخذ وثیقه بشمار میرود. بعلاوه اوضاع و حوادث زمان قباد را چنانکه از ایرانیان و سایر آشیایان مشرق زمینی خویش شنیده است نقل میکنند. مآخذ در اطلاعات وی که خلاصه آنرا ذیلاً نقل میکنیم اشتباهات بزرگ دیده میشود: فیروز پادشاه ایرانیان در جنگی که با هیاطله یا «هونهای سفید»، که با سائر قبائل هون از حیث سفید پوستی و خوش سیماتر بودن و نظامات اجتماعی و تمدن متمایز بودند، کرد شکستی فاحش یافت و هنگام فرار بهلاکت رسید.

۴ - Celer, ۲ - Boe, ۲ - Chronicon Syriacum, ۴ - Barhebraeus.

۵ - Procopios, ۲ - طبع کیرش، لیزیک ۱۷۸۹ صفحه ۷۹؛ ترجمه صفحه ۷۷.

۶ - Bésaire, ۹ - Césarée, ۸ - Justinien, ۷.